

عنوان مقاله:

فراتر از تجربه (بازکاوی مبادی علوم انسانی)

محل انتشار:

کنگره ملی علوم انسانی (سال: 1385)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

حسن صیانتی - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار

خلاصه مقاله:

هرچند از زمان طرح و گسترش اندیشه های علم گرایانه صرف 1 و اثبات گر ایانه 2 که عرصه را برن H علوم انسانی تنگ نمود، زمان زیادی می گذرد، ولی این جدال به صورتی پنهان همچنان در جری است. در کشور ما نیز خصوصاً با رشد فناوری و پیشرفت صنعتی این ذهنیت پدید آمد که علوم انسانی مکانی برای طرح و ضرورتی برای پرداختن ندارد. هرچند این تفکر، یک تفکر غالب نیست، از لطمات آن نمی توان غافل بود. ماهیت علوم انسانی، حضور آن را در عرصه اندیشه بشری ایجاب و بلکه ناگزیر می سازد. همچنان که سخن گفتن از انسان و پرداختن به همه ابعاد آن با دشواری همراه است، این دشواری به علوم انسانی نیز سرایت می کند. ضرورت نخست در این حوزه روشن نمودن ماهیت علوم انسانی و تفاوت های آن با علوم تجربی است و به دلیل گستردگی این بحث که شامل تفاوت های غایی (هدف)، موضوعی، کاربردی و تفاوت های روشی می گردد، ما صرفاً در دو زمینه موضوع و روش به بیان ویژگی های علوم انسانی و تفاوت های آن با علوم تجربی می پردازیم. ذهنی بودن 3 موضوع علوم انسانی در مقابل عینی بودن 4 موضوع علوم تجربی، پیچیدگی های روابط انسانی، مفهوم تجربه و استقراء در علوم تجربی و بررسی برخی خصوصیات تجربه، مانند تعمیم پذیری و تکرارپذیری از موضوعاتی است که بررسی شده است. در ادامه به مخاطره آمیز بودن تجربه در علوم انسانی و آسیبی که تمدن غرب از این ناحیه خورده است، اشاره شده و در پایان در قالب تأملاتی دیدگاه فایده گر ایانه 5 نسبت به علوم انسانی و لزوم واقع گرایی در علوم انسانی بررسی شده است

کلمات کلیدی:

علوم انسانی، روش تحقیق، استقراء، علوم تجربی، تجربه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/100560>

